



گوشه‌ئی از اجتماع عظیمی که در مراسم تشییع جنازه حضرت
آیه‌الله بروجردی شرکت کرده اند

بمناسبت رحلت حضرت آیه‌الله العظمی آقای
بروجردی قدس سره ، مسئله مرجعیت ، مطرح
معاقل و قضاوت‌های مختلف است ، ماخالی از هر -
گونه اصطلاح ، در بحث ذیل شخصیت مرجع ،
شرائط مرجع ، طرز انتخاب ، ارزش و خدماتی
را که از یک مرجع روحانی باید انتظار داشت ،
مورد بحث قرار می‌دهیم .

اکبر هاشمی

شیعه و مرجعیت

شخصیت مرجع

اینکه بشخصی مرجع میگویند یا از آن باب است ، که مرجع تقلید
مردم است ، و مردم در دانستن وظائف دینی و احکام فقهی با او رجوع میکنند
و یا این کلمه از آنجا پدید آمده ، که در روایتی «روايات احادیث» مرجع
مردم در حوادث و پیش آمدها ، تعیین شده اند ، و در هر حال ، مرجع
کسی است که مردم از او تقلید کرده و در امور مذهبی خود با او رجوع
میکنند ، و یک نوع امور و حوادث خاصیکه جنبه شخصی ندارد ، در
شرائط معین ، باید بآن نقطه ، ارجاع شود .
در زمان حیات ائمه هدی ، مرجع اصلی در امور و حوادث و بیابان

احکام، ایشان بودند، و یا کسانی از اصحاب شایسته را که خود تعیین می کردند.

در زمان غیبت امام علیه السلام طبق مدارک قطعی و روایات، فقهاء صاحب نظر و مجتهدین عادل، مرجع تقلید و حوادث خاص، برای مردم تعیین شدند، بنابراین مرجعیت بدین معنی، مقامی بس بزرگ و ارجمند است، چه، این مقام، مربوط به شخص پیغمبر و ائمه اطهار است، و در زمان غیبت شریفترین و لایقترین افراد بشر را برای آن انتخاب کرده اند.

آنچه که بطور مسلم، از مناصب فقیه است، یکی قضاوت است و دیگری افتاء و امارت، و اختیار تصرف فقیه، خود احتیاج به حجت و تتبع مستقلى دارد، که حدود و شرائط آن تعیین شود (۱)

اما اینکه بچه دلیل این مقام و منصبها در اختیار فقیه گذارده شده است، علاوه از حکم عقل و دلالت برخی آیات، بعنوان نمونه - میتوان روایات ذیل را بیان کرد!

۱ - علی علیه السلام از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود:

اللهم ارحم خلفائی! قیل: یا رسول الله ومن خلفائک؟ قال: الذین یأتون بعدی ویروون حدیثی و سنتی (۲)

ترجمه: خدایا جانشینان مرا رحمت فرما.

- جانشینان شما کیستند؟

۱ - رساله مستقلى در ولایت فقیه بقلم یکی از اعضاء هیئت تحریریه: مکتب تشیع در آینده تهیه خواهد شد.

۲ - این روایت و روایات بعد را از عوائد نراقی نقل میکنیم.

- آنها که پس از من می آیند و روایات و سنن مرا بر مردم میرسانند.

۲ - السکونی عن ابی عبد الله (ع) قال: قال رسول الله (ص) الفقهاء امناء الرسل.

ترجمه: سکونی از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: پیغمبر فرموده است: فقهاء امانت دارهای انبیانند (آنچه را که خدا به انبیاء محول کرده است، آنها به امانت نزد فقهاء گذارده اند).

۳ - التوقيع المروى... واما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا فانهم حجتي علیکم وانا حجة الله علیهم.

ترجمه: در توفیقیکه از ناحیه ام از زمان صلی الله علیه و آله صادر شده است میفرماید در (پیش آمده هاییکه حل آنها بدست امام بوده) بروات احادیث ما (آنها که فتوای خود را از روایات ما اخذ میکنند) مراجعه کنید! آنها حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنانم.

۴ - عن ابی عبد الله ع: اجعلوا اینکم رجلا من عرف حلالنا و حرامنا فانی قد جعلته قاضیا

ترجمه: مردی را که بخوبی حلال و حرام ما را بشناسد، در بین خودتان حکم قرار دهید، چنین کس را بقضات منصوب میکنیم.

۵ - مجاری الامور و الاحکام علی ایدی العلماء بالله، الامناء علی حلاله و حرامه.

ترجمه: سررشته کارها و احکام بدست کسانی است که عالم بخدا و امین بر حلال و حرام احکام خدایند.

۶ - روایات زیادی که درباره مقام علماء و اینکه آنها وارث انبیاء و نزدیکترین افراد بانبیاء می باشند در آورده نیز شاهد مدعی است.

از مجموع روایات استفاده می شود که در زمان غیبت کبرای امام، کس معینی بعنوان جانشینی و نیابت خاصه انتخاب نشده است. بلکه کسانی که « فقیه » و عارف با احکام الهی از روی منابع وحی و روایات باشند و ضمناً مورد اعتماد « امین » باشند؛ استحقاق چنین مقامی را دارند.

البته بحث درباره حدود صلاحیت روایات و دلالت آنها از حوصله مقاله خارج است، ولی با دقت در کلمه « فقه » و « معرفت » و « امانت » « علم بالله » و همچنین کلمه « نظر » که در روایت دیگری است، می توان شرایط افتاء و قضاء را که عبارت از ایمان و اجتهاد و عدالت است بدست آورد.

یعنی مجتهد عادل جامع الشرائط، برای این منصب برگزیده شده است. و عناوین: وارث انبیاء، امین الرسل، خلیفة الرسول، حصن الاسلام، مثل الانبیاء، بمنزلة الانبیاء، حجة الامام، مرجع الحوادث؛ کافل ایتم آل محمد... با نهاد داده شده است.

هر مجتهد جامع الشرائط حق فتوی دادن و بیان حکم الهی را دارد، ولی مردم باید تنها به اعلم و اتقی و خلاصه آنکه لیاقت و صلاحیت علمی و تقوایی بیشتری دارد مراجعه کنند (البته بنا بر فتوای مشهور).

و چنانکه میدانیم، در هر رشته و فنی؛ دانشمندان آن فن مساوی نیستند و دامنه اطلاعات آنها با هم تفاوت دارد، و معمولاً یک یا چند نفر آنان شایستگی بیشتری پیدا می کنند.

و برای اطمینان خاطر، مخصوصاً در موارد اختلاف. با آنکه آشناتر

و شایسته تر است مراجعه می شود، در رشته فقهات هم بعضی، ممتاز میشوند و صلاحیت مرجعیت عمومی و مطلق اپیدامی میکنند.

ریاست، یا مرجعیت کل

گرچه در روایات کلمه رئیس در این موارد نداریم، ولی از آنجا که تنها قضیه فتوی دادن نیست، بلکه دخالت در بسیاری از حوارث اجتماعی و اداره امور دینی و رسیدگی بحوزه های علمیه، و خلاصه سرپرستی همه جانبه علمی و مذهبی مردم، بدست فقیه و اگذار شده است. و این خود احتیاج یک حوزه مرکزی دارد، تا موجب هرج و مرج و اختلاف نظر نگردد، و همانطور که در کلیه شئونیکه جنبه سرپرستی عمومی در کار است، باید قدرت متمرکز بوده و منبع الهام واحدی داشته باشد، همینطور در این مورد هم طبعاً، مرجعیت ولو پس از مدتی ابهام و تنزل، بالاخره در مورد یک نفر متمرکز می شود، البته دیگران هم انجام وظیفه میکنند، ولی ریاست و مرجعیت مطلق بدست یک نفر است.

چیزی که لازم است تذکر داده شود، اینکه ریاست در این موارد، غیر از ریاست و حکومت های معمولی دیگر است.

این ریاست غیر از مسؤلیت و مرارت چیزی ندارد، و فقط در پناه آن باید بانجام وظیفه و رسیدگی بحوائج دینی مردم پرداخت.

و از این روی بینیم که در این طبقه، ریاست را برای ریاست نمیخواهند و لذا هر چه هم قدرت بدست می آورند در غیر راه خدا، و برای غیر خدا مصرف نمی کنند و بهمان نسبت که بر حجم قدرت و نفوذشان افزوده می شود، شعاع آثار خیر و خدمت های اجتماعی آنها وسیعتر می گردد.

و راستی در بین این سلسله از رؤسا کسی را سراغ نداریم ، که از این قدرت سوء استفاده کرده ، و یا مثلاً همتش مصروف شخص خود و بستگانش باشد ، در صورتیکه در مورد حکومتی مادی ، سوء استفاده فراوان چشم میخورد .

خوانندگان محترم ، خوب است اندکی شرح زندگی مراجع بزرگ شیعه را بخوانند ، تا صحت این ادعا را خود تصدیق فرمایند .

مثلاً حضرت آیه الله بروجردی باینکه در سال چندین ملیون تومان وجوهات بدستشان میرسید و به صرف می رساندند ، ولی تانز دیک مرگ خود در قم ، منزل شخصی نداشتند .

پرفسور موریس پزشکی که از فرانسه برای معالجه ایشان آمده بود ، وقتی که وضع ساده و بی آرایش منزل ایشان را با وجود آن همه قدرت و نفوذ دید ، بود و با وضع پاپ و کشیشهای اروپا مقایسه کرد ، بی اختیار اظهار تعجب و حیرت کرده بود .

این مرد هشتاد و هشت ساله ناتوان ، اغلب ساعات روز و شب را مشغول زحمت و رسیدگی بوضع بمردم بود ، درباره آیه الله شیخ مرتضی انصاری می نویسند : وقتی که از دنیا رحلت کرد ، دارائی او فقط هفده تومان بود و بهمان اندازه هم قرض داشت ، در صورتیکه همه شیعیان آن زمان ، وجوهشان را برای ایشان میفرستادند .

مینویسند : یکروز در حالیکه بیست هزار تومان (پول آن زمان) پول سهم در خدمتش بود ، طلبکاری رسید و چهار تومان از ایشان مطالبه کرد ؛ ایشان چهار روز مهلت خواستند ، وقتی که طلبکار رفت یکی

سؤال کرد چرا طلبش را ندادید ؟ فرمود : او از خود من طلب دارد و این پول مال مردم است ، میخواهم این کلیم را بفروشم و طلبش را بدهم .

مالیوز نماینده سیاسی انگلستان ، در راه دائن شیخ را دید بر فقایش گفت : این شخص یا عیسی و یا نائب خاص عیسی است که این اندازه بدنیا بی اعتنا است .

سالار که داماد و شاگرد شیخ مفید است میگوید : فقط مختصری از وقت شبانه روز شیخ مفید با خواص میگذشت و بقیه را با درس گفتن و نماز خواندن و مطالعه و قرائت قرآن میگذراند .

و این همان کس است که از طرف حضرت حجت علیه السلام سه مرتبه برایش توقیع صادر شده و او را بنده صالح و مولی الرشید ، و شیخ سدید خطاب میکرد .

در تاریخ زندگی اغلب مراجع اینگونه نقطه های روشن و تابناکی که حاکی از عدم توجه بر ریاست و لذا ائذ مادی است ، بسیار دیده میشود ، و اصلاً چون پایه های این ریاست و منصب بر درجه معنویت و لیاقت علمی شخص گذارده شده است ، اشخاص آلوده و غرض ورز و لوائیکه تلاش هم بکنند ، نمیتوانند باین کرسی تکیه بزنند .

طرز انتخاب مرجع

با آنکه حکم شرعی انتخاب مرجع تقلید روشن است ، ولی در این خصوص عقائد مختلف و طرفه منی که اغلب خالی از خرافه نیست در بین عوام دیده میشود .

جمعی معتقدند که اصلاً تعیین مرجع از حدود صلاحیت بشر خارج

است و حتماً باید با وحی و الهام مرجع کل تعیین شود.
گروهی فکر میکنند که باید خود امام زمان بهمه یا جمعی از علماء
بگویند که فلان شخص را انتخاب کنید.

بعضی میگویند: علماء شیعه دوره جمع میشوند و اسامی آنها
را که ظاهراً لیاقت مرجعیت دارند، نوشته و روی ضریح مطهر حضرت
امیر علیه السلام میگذارند، هر که لایق تر بود حضرت اسم او را جدا کرده بداخل
ضریح میبرد...!!

عده ای میگویند که باید خواب نما شود، یا خود مرجع یا شخص
و یا اشخاص دیگری که مورد وثوقند در خواب ببینند که کمر بند ریاست
بکمر فلان آقا بسته شده، یا ردای امامت بدوش فلان آیه الله افتاده، یا
ذوالفقار دودم مولارا حمائل فلان مجتهد کرده اند!!

گروهی هم از فرزند ان مرجع سابق سؤال میکنند و تصور میکنند
مسئله ارثی است.

و یا مثلاً میپرسند: آیا مرجع قبل چه کسی را تعیین کرده است؟
اینها و خیلی مطالب خرافی دیگر را بعضی از متدینین و تیمپ متشرع
فکر میکنند.

در مقابل کسانی که حتی به آب خوردن شان هم رنگ سیاسی
میدهند، میگویند این ریاست هم مثل حکومت های مادی، زائیده سیاست
وقت، بلکه بطور غیر مستقیم بدست دیپلمات های خارجی انجام میگیرد!!!
شاید عده ای هم گمان کنند که این انتخاب هم مثل انتخابات پارلمانی
معمول در کشور ما است، که بر اساس بست و بند کاندیداها با متنفذین

محل و یاد دولت و بالاخره پول و پول و پارتی است!!
چه میشود کرد؟! عقیده آزاد است! هر کس هر چه بفرزندش
گذشت میگوید.

ما برای روشن شدن افکار عرض میکنیم که: تعیین مرجع نه توسط
وحی است، نه الهام، نه خواب، نه ارثی و نه بتعیین مرجع سابق و نه بر
اساس سیاست، و دسته بندی های مادی. خیر بر هیچ يك از اینها مبتنی
نیست.

این انتخاب صد درصد بر اساس لیاقت علمی و تقوایی و توجه علماء
و فضلاء فهمیده و اهل خبره صالح و بی طرف، انجام میگیرد. این درخت
بدست پیغمبر بزرگوار اسلام، چنان اساسی و روی حساب صحیح غرس
شده، که هر چه اشخاس بخواهند شاخه هایش را بشکنند، باز ریشه
قوی و نیرومندش که از سر چشمه وحی آب میخورد، خیلی زود شاخ و برگ
و میوه میدهد.

ملاك صلاحیت مرجعیت، ایمان و علم و تقوی است، و راه این امور
بروی همه باز است، همه آزادند که درس بخوانند و وقتی استعداد پیدا
کردند اجتهاد کنند، افکار علمی خود را در معرض استفاده و قضاوت
دیگر ان قرار دهند. همه میتوانند در تقویت ایمان و تقوی و تحصیل
بکوشند. و مثل زور و فامیل و نژاد و زبان و سیاه و سفیدی و غیره نیست که
انحصاری باشد، نه، ملك علم است و تقوی و لیاقت معنوی و روحانی.

ولذا شما بسیاری از مراجع را می بینید که از خانواده فقیر و تهی

دستی بوده اند ، و مال و منال و شخصیت فوق العاده خانوادگی نداشته اند تا از آن استفاده کنند . و اگر هم داشته اند بهیچوجه از این ثروت و شخصیت در طریق احراز مرجعیت استفاده نکرده اند ؛ بلکه علی رغم اشراف منشی زحمت و مرارت مطالعه و تتبع و کوشش مداوم برای تحصیل و تدریس و بالاخره بدست آوردن فضائل معنوی و ملکات نفسانی را تحمل کرده و از این طریق شایستگی پیدا کرده اند .

برای تشخیص اعلم دستور این است که اگر خود شخص اهل اطلاع است و قدرت مقایسه و تشخیص دقائق و ریزه کاریهای فنی را دارد ، طبق تشخیص خود ، کسی را که لایقتر دانست بوی مراجعه میکند .

و برای آنها که خود اهل خبره نیستند و یا دسترسی بدرک و حضر همه شخصیتهای بزرگ علمی پیدا نکرده اند ، اینان بکسانی مراجعه میکنند که اهل فن و خبره بوده و در عین حال عادل و شایسته اند ، و از مراتب علمی آقایان بخوبی اطلاع دارند ، این مردمی که خود هم فقیه ، و عادلند می توانند درجه فقاوت و علم کسی را بفهمند .

اگر نتیجه علم و اطلاعات کسی محسوس باشد ، برای خود مردم فهمیدن مقدار علم و پیدا کردن اعلم مشکل نیست .

طیبی که همه مراجعین را بهترین وجه معالجه میکند ، مهندسی که نقشه های خوب از آب در می آورد ، سیاستمداری که همیشه در سیاست خود موفق است ، لیاقت و اعلامیت وی برای همه کس پیدا است ولی پیدا کردن بهترین فیلسوف ، یا حقوقدان و یافقیه ، که عامه از

فهم آثار دقیق آن بی بهره اند ، احتیاج باشخاص تحصیل کرده و آشنای با این علوم دارد ؛ و خلاصه باید باهل خبره رجوع کرد .

و ما میبینیم که این طریقه تاچه حد انسان را بواقع نزدیک میکند . و معمولاً در ادوار مختلف کسانی که شایستگی واقعی داشته ، ریاست مذهبی شیعه را در دست گرفته اند ، و شاید همین باعث شده است که بعضی گمان کنند که تعیین مرجع توسط وحی یا مشورت با حضرت امیر ، و امثال آن بوده است ، چه ، معمولاً آن که بالاخره انتخاب شده است ؛ همان کسی بوده که در واقع از همه بهتر بوده ، و این دلیل بر آن است ، که راهی که برای تشخیص آن در شرع تعیین شده ، بهترین راه صحیح است ، از آنرو که اگر کسانی که خود بخوبی فقیهند ، و از این سرچشمه سیراب شده اند ، و علاوه عادل و صحیح العمل می باشند ، بناسد تشخیص دهند ، آنها خوب تشخیص خواهند داد .

و لذا در اینجا باید این جهت را تذکر دهیم که این روزنامه نویسها و تقویمچیها و عکس فروشان و خواب بینها و امثال آنها بهیچوجه شایستگی دخالت در این شأن مقدس را ندارند و قضاوت و تشخیص آنها مدرک نمیتواند باشد ، ردیف کردن عکسها دلیل بر مراتب علمی و درجات آنها نیست ، قضاوت اشخاص نفهمیده و هو سباز صحیح نیست ، مسئله را خواهی و سرسری نیست که هر کسی بگوید ، من اینطور فکر میکنم ، نه ، باید آنها که درس آقایان را دیده اند و عمیق بطرز فکر و درجه علم و وقت و اطلاع اعظم پی برده اند و در عین حال صالح و خوب و بی غرضند ، آنها قضاوت کنند و مردم هم بپذیرند .

فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون

انتظاریکه پیاپیان خواهد رسید

مردم شهرستانها همه منتظرند که تکلیف و وظیفه آنها از نظر مرجع

چه میشود؟

البته همانطور که گفتیم، حساب انتخاب فوری نیست، باید دید

نتیجه قضاوت علماء و فضلاء حوزه های علمیه و شهرستانها چه میشود؟

خیلی آرام، بطور طبیعی، تدریجاً آنکه بیشتر از نظر محافل علمی مذهبی مورد

نظر است، تعیین می شود، شما خود می دانید که آقایان علماء محترم حوزه و شهرستانها

نهاد جریان مطالعه و تحقیقند و البته خیلی اصرار دارند که حتی الامکان ایجاد

اختلاف نظر و سابقه پیش نیاید و هم، هرچه زودتر مردم از تحیر در آیند.

معمولاً پس از فوت یک مرجع بزرگ، اینگونه نوسانات و تزلزل تا

مدتی باقی است، رفته رفته مشکل حل میشود.

البته این انتظار می رود که آقایانیکه یکی از اعلام و مراجع محترم

بالخصوص مورد نظرشان بوده، و میل دارند در باره ایشان تبلیغ کنند،

مصالح عمومی اسلامی را در نحوه معرفی و تبلیغات خود در نظر بگیرند

و از هر گونه عملی که باختلاف و عکس العمل زننده منجر گردد، خودداری

کنند، چه همه میدانیم که هیچیک از حضرات اعلام و مراجع بزرگوار

بهیچوجه راضی نیستند که در این عمل مقدس و هدف پاک معنوی، نگرانی

و آلودگی پیدا شود، امید است پروردگار بزرگ همه را در بسط و اشاعه

احکام نورانی اسلام و بیشتر و هدف مقدس ولی عصر عجل الله تعالی فرجه

مؤید و منصور دارد.

۳	هیئت آجر بریه	فاجعه عظیم جهان اسلام
۱۲	«	حضرت آیه الله بروجردی
۳۱	«	حوزه علمیه قم
۴۹	جناب آقای طباطبائی	جواب اعتراض بکتاب شیعه
۸۱	« « سید رضاصدر	پرسشی از مغزهای متفکر
۹۵	« « محمد رضا صالحی	معیت اجتماعی
۱۱۵	« « سید صدرالدین بلاغی	نقش دین در نیای امروز
۱۲۷	« « بهشتی	عادت
۱۴۴	یکی از علماء بزرگ حوزه	داستان ولید بن مغیره
۱۵۹	جناب آقای طالقانی	خاتمیت و اجتهاد زنده
۱۶۹	« « موسوی زنجانی	حرمت در نظر اسلام
۱۹۷	« « « «	اسلام و نظام بردگی
۲۱۲	« « مهندس بازرگان	یادداشتی از سفر حج
۲۲۵	« « جعفری تبریزی	نهج البلاغه کتاب جاودانی
۲۳۳	« « عباس شیخ رئیس	همای عشق (شعر)
۲۳۴	« « راشد	هم آهنگی آرزو و عمل
۲۵۴	« « سید غلام رضا سعیدی	وظیفه طبقه حاکمه
۲۷۲	« « غفوری	درسهائی از اخلاق
۲۸۱	« « محمد جوادی باهنر	ملیت و روابط ملی در اسلام
۳۱۰	« « مطهری	اصل اجتهاد در اسلام
۳۳۴	« « احمدی میانجی	اسلام و مستشرقین
۳۴۸	« « دکتر سقوده	استحکامات ایران در دوران اسلامی
۳۵۹	.	وفادار (داستان کوتاه)
۳۶۲	« « اکبرهاشمی	شیعه و مرجعیت